

ولتر

کاندید

ساده‌دل

ترجمه

رضا مرادی اسپیلی



مؤسسه انتشارات نگاه

تهران، ۱۳۵۲

## یادداشت

وقتی کتاب کاندید برای نخستین بار در ژانویه ۱۷۵۹ م. روی پیشخوان کتابفروشی‌ها قرار گرفت، نام ولتر، شاعر، تراژدی‌نویس، تاریخ‌دان و فیلسوف نامی بر آن سنگینی نمی‌کرد: کتاب همچون قهرمان‌اش، فرزندی نامشروع بود و خود را اثر «دکتر رالف» معرفی می‌کرد و اگر نثر ولتر در سطر سطر کتاب خودنمایی نمی‌کرد، بی‌تردید امروز در زمره‌ی آثار بی‌نام و نشان طبقه‌بندی می‌شد. ولتر در ایجاد جارو و جنجال پیرامون مسایل و سپس پوشاندن آثار این جارو و جنجال‌ها استاد بود؛ نه تنها کتاب را به نام دیگری چاپ کرد بلکه زمان و مکان چاپ اول کتاب هرگز معلوم نشد.

کتاب کوچک راه خود را یافت و نخست به خاطر جنبه‌ی سرگرم‌کننده‌اش به سرعت همه‌گیر شد؛ بعدها بود که منتقدان آن را در فهرست «برترین کتاب‌های جهان» جای دادند و امروز هم که دیگر تبدیل به اثری کلاسیک شده است.

کاندید کتابی مفرح و همزمان بی‌رحم و ویرانگر است، کیفیت‌هایی که شاید آسان‌تر از آنچه فکرش را بکنیم در این کتاب کم‌حجم کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، و همین دو جنبه‌ی متناقض و ناساز سرزندگی غریب کاندید را می‌سازند. بی‌رحمی کتاب تلخ نیست و سرگرم‌کنندگی‌اش مدرن و مناسب است. منتقدان قدرت تخریب و ویران‌سازی همه چیز و روش اجرای این ویران‌سازی را



از دلایل مدرن بودن کتاب دانسته‌اند. طنز موجود در تاروپود کتاب بی‌رحمی آن را تحمل‌پذیر می‌کند: در طنز برای هرکسی چیزی وجود دارد و اثر را عام‌تر و انسانی‌تر می‌کند. همه‌ی قهرمانان نویسندگانی چون آلدوس هاکسلی و قهرمان «بیگانه» ی آلبر کامو، قهرمانانی چون هاگلبری فین، شوایک سرباز پاکدل و همه‌ی معصوم‌های تحقیر شده را کاندید دوم می‌دانند. می‌توان به تأثیر پر دامنه‌ی ولتر بر نویسندگان آمریکای لاتین به‌ویژه ماشادو د آسیس نیز اشاره کرد. کاندید را به خاطر اعتیاد پرتب‌وتاب و نیز شکاکیت‌اش به زندگی منطقی و نحوه‌ی پرداخت آن، کتاب نمونه‌ی اروپایی دانسته‌اند.

#### درباره‌ی نام کاندید و کونه‌گوند

کاندید از صفت فرانسوی به همین نام می‌آید که در انگلیسی نیز وجود دارد. هر دو از واژه‌ی لاتین کاندیدوس (Candidus) گرفته شده‌اند که معنی اول‌اش «سفید» است. برف، قو و سنگ از جمله اسم‌هایی بودند که رومی‌ها این صفت را برای آن‌ها به کار می‌بردند. بعدها که قرار شد مردان برگزیده شده برای مجلس ردهای سفید آراسته به تن کنند، معنای این واژه گسترش یافت که امروزه در واژه‌ی کاندیدا هم چنان به هستی خود ادامه می‌دهد. اما این واژه در جهتی دیگر نیز گسترش یافت: ویرژیل در آئیند، هم ملکه دیدو و هم الهه‌ی مایا را کاندیدا توصیف می‌کند که به معنی «زیبارو» است. هوراس نیز از این واژه به معنی بی‌طرف، صادق و منصف استفاده می‌کند.

رفته‌رفته در ادبیات انگلیسی و فرانسوی سده‌های بعد، این واژه هرچه بیشتر به معنی منصف و بی‌طرف به کار رفت، چنان‌که در منازعات مربوط به بیانی‌هی انقلاب آمریکا به دفعات به عبارت «خواننده‌ی بی‌طرف و منصف (the candid reader)» برمی‌خوریم. همه‌ی این معنی‌های جنبی واژه به قهرمان ولتر می‌خورند: او آلوده‌ی دنیا نمی‌شود، روحی پاکیزه دارد، کاملاً راستگو و قابل اعتماد است، و همیشه آماده است تا فلسفه‌ی پانگلس را (بخوانید فلسفه‌ی لایب‌نیتز که ولتر در

این کتاب پنبه‌ی آن را می‌زند) به محکی دیگر بزند. او چنان موجود معصوم سپیدی است که گویی هرگز بزرگ نمی‌شود.

دوشیزه کونه‌گوند — که همیشه برای ولتر «دوشیزه» است — نام‌اش را از دو بانوی برجسته‌ی سده‌ی یازدهم آلمان گرفته است. Kunigunde که دختر کننت لوکزامبورگ و همسر امپراتور روم مقدس بود و در پیمان زناشویی‌شان، به پیمان پاکدامنی تصریح شده بود (باکونه‌گوند داستان مقایسه کنید) و دیگری هم به همین نام که دختری اشراف‌زاده بود. به نظر منتقدان دلیل اصلی استفاده‌ی ولتر از این نام، آوای آرکاییک آن است.



چاپ دوم کتاب کاندید پیش روی شماست. از میان کتاب‌هایی که تاکنون به فارسی برگردانده‌ام، این کتاب که اولین آن‌ها نیز هست و اکنون با ویراست جدید منتشر می‌شود، برای من دلپذیرترین بوده است. کتاب‌های دیگر مربوط به عرصه‌ی علوم اجتماعی-سیاسی‌اند و ترجمه‌ی آن‌ها بیشتر از نوعی احساس ضرورت و انجام وظیفه‌ی ترجمه برمی‌خیزد: انتقال دستاوردها از جوامع پیش‌رفته‌تر به جامعه‌ی ایرانی. اما ترجمه‌ی این شاهکار سرشار از طنز در عالی‌ترین درجه، همراه با فلسفه‌ی انسانی و داستان پرکشش لذتی دیگرگونه و تجربه‌ای گرانبها بوده است.